

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران

درد بخاطر شهیدان تابناک حزب و جنبش رهائی بخش ایران!
ایمان، جانبازی و وفاداری را از شهیدان بیاموزیم و پرچم آنانرا سرفراز نگاه داریم!

در باره جلسه مشورتی احزاب کمونیستی و کارگری

در بوداپست موافقت نموده بود، رسماً ارکیه سازمانهایی که در سال ۱۹۶۰ در کنفرانس جهانی مسکو شرکت نموده بودند دعوت نمود تا هیئتهای نمایندگی خود را برای شرکت در جلسه مشورتی تبادل نظر بوداپست معرفی نمایند:

یافت تاکنون بیش از ۷۱ حزب کمونیستی و کارگری و از جمله حزب توده ایران، موافقت خود را با تشکیل جلسه مقدماتی ای بمنظور مشورت و تبادل نظر در باره چگونگی تدارک و تشکیل کنفرانس جهانی اعلام داشته اند.

در تعقیب اطلاعیه ای که در ماه نوامبر ۱۹۶۷ از طرف ۱۸ حزب کمونیستی و کارگری در باره دعوت جلسه مشورتی احزاب برادر انتشار

جلسه مزبور که قرار است روز ۲۶ دنباله در صفحه ۵

از اینرو حزب سوسیالیست کارگری مجارستان، که با پیشنهاد تشکیل جلسه مزبور

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران

بهمه نیروهای ملی و دموکراتیک



خسرو روزبه قهرمان ملی
عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران



دکتر تقی ارانی
رئیس زحماتکشان ایران

سر نوشت یک شعار

پس از دو سه سالی که، طی آن آبهای فراوانی از زیر پیل گذشته، مفید و آموزنده است که سر نوشت این شعار را مورد بررسی قرار دهیم.

شرایط انقلاب

انقلابگران از اینجا شروع کردند که « بدون هیچگونه تردیدی میتوان گفت که شرایط عینی انقلاب در کشور ما رسیده است... در عوض عامل ذهنی مبارزه در سطح ایفای نقش خویش نیست. » (۲) ولی مسئله عامل ذهنی را هم بدین ترتیب حل کردند که اولاً « در روستا در جریان مبارزه مسلحانه

بیش از سه سال از فعالیت انشعابگران و بیش از دو سال از انشعاب در حزب توده ایران میگذرد. انشعابگران در اعلامیه ها و نشریات خود مسائل گوناگونی را در توجیه انشعاب مطرح کرده اند. ولی آنها با اعتراف به اینکه فعالیت انشعابگران خود را با شعار « تسلیح توده ها » (۱) آغاز کرده اند و سپس با تبدیل شعار « انقلاب قهر آمیز » و « همه چیز در خدمت مبارزه مسلحانه » به شعار اصلی خود و همچنین با حمله به « اپورتونیسم » و « رویزونیسم » حزب بورژوازی در مسئله « راه انقلاب »، در واقع تأکید کردند که موجودیت سازمانی و سیاسی آنها وابسته به همین شعار است. به همین جهت اینک

در گذشت تختی

بلکه روش سیاسی او و حمایتش از جنبش ملی ایران و دکتر مصدق و صفات شخصی انسانی او را یکی از محبوبترین ورزشکاران ایران بدل کرده بود. تختی بسبب سرسختی در همین راه معضوب شاه، دربار و دولت بود و چنانکه خود نوشته است دستگاه دولتی، او را به « یهودی سرگردان » مبدل ساخته بود

غلامرضا تختی قهرمان ورزشی ایران که « جهان پهلوان » نام گرفته بود در تاریخ شنبه ۱۶ دیماه ۱۳۴۶ در سن سی و هفت سالگی در تهران در گذشت. تختی با بدست آوردن چهار مدال طلا و ۶ مدال نقره در مسابقات جهانی و المپیک به یکی از درخشانترین چهره های ورزش ایران مبدل شده بود. نه فقط کامیابهای ورزشی تختی

دوستان و هموطنان عزیز چنانکه میدانید در اردیبهشت سال آینده بمناسبت بیستمین سال تصویب اعلامیه حقوق بشر کنفرانس بین المللی حقوق بشر مرکب از کشورهای عضو و سایر کشورهای که فقط در مؤسسات تخصصی سازمان ملل عضویت دارند در تهران تشکیل میگردد. تشکیل این کنفرانس در تهران پس از تشکیل کنفرانس های بین المللی دیگری مانند « کنفرانس بین المجالس »، « کنفرانس جهانی مبارزه با بیسوادی » و غیره حلقه ای از اقدامات شاه و دولت دست نشانده او برای آراستن رژیم ضد دموکراتیک و مستور داشتن ماهیتشان از افکار عمومی جهانیان است. در همین زمینه اقدامات دیگری نیز از طرف رژیم بعمل آمده است: بدستور شاه کمیته ای برای « بررسی حقوق بشر » در تهران تشکیل شده است. شاه اشرف پهلوی را « بریاست عالی » این کمیته منصوب کرده است! اشرف پهلوی از جانب خود منوچهر گنجی را بسمت مدیر کل آن برگماشته است. « کمیته ایرانی

اعلامیه پولیت بوروی کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان

(در باره حوادث اخیر یونان)

رژیم فاشیستی - نظامی یونان و حامیان امریکائی آن برای دادن صورت ظاهر قانونی باین رژیم و پیشبرد کار سازش میان سرهنگان و شاه و تسکین افکار عمومی مردم یونان و ملل جهان که از اعمال آنان سخت برآشفته اند و آنانرا محکوم میسازند و در عین حال برای آرامش خاطر برخی از دولتهای عضو ناتو به دو اقدام نظر فریب دست زده اند:

اقدام اول: انتشار طرح قانون اساسی که اساسنامه دیکتاتوری است و هدف آن جنبه قانونی دادن به اختناق ابتدائی ترین آزادیها و حقوق مردم است.

اقدام دوم: اعلام باصطلاح عفو عمومی که فقط شامل چند صد تن از هزاران زندانی

رژیم میشود. مضافاً بر اینکه آزاد شدگان از این پس به هر اقدام سیاسی دست بزنند با خطر دستگیری مجدد و اعزام به بازداشتگاهها روبرو هستند.

این مانورهای ناشیانه دیپلماسی امریکا و سرهنگان خادم آن نمیتواند مردم یونان و افکار عمومی جهان را بفریبد زیرا حکمرانان نظامی، رژیم خشنی را که در آن قانون محاکمات نظامی و کنترل ارتش و تمام دستگاههای دولتی و سانسور جرائد و کنترل سازمانهای اجتماعی بقوت خود باقیست تشدید میکنند و حقوق و آزادیهای اساسی افراد و از جمله آزادی اجتماعات و حق انتخاب

دنباله در صفحه ۵

سر نوشت يك شعار

هسته های حزبی و سپس با بسط مبارزه از این هسته ها سازمانهای حزبی ایجاد میشود. از این سازمانهاست که باید حزب طبقه کارگر بیرون آید. (۳) ثانیاً برای شروع کار هم که «انقلابیون و مارکسیست-لنینیستهای واقعی» وجود دارند و «سازمان انقلابی» خود را هم که تشکیل داده اند. آنها تاکید کردند که «شرایط ایران اکنون مساعد برای کار انقلابی است. البته در انتظار فراهم آمدن همه شرایط مساعد نمیتوان و نباید نشست. آغاز مبارزه مسلحانه بدون شک شرایط مساعد تازه ای فراهم خواهد آورد» (۴) و بویژه آنکه «راه قهر آمیز مبارزه راهی طولانی و دشوار است» (۵) بدینسان تنها کاری که باقی میماند «انتقال کادرها بایران» و «ایجاد ده آزاد و پایگاه انقلابی» بود (۶)

اولین جرقه مبارزه مسلحانه در ایران

زود و خوردهای مسلحانه سنتی در منطقه عشایری جنوب از جانب انشعابگران بعنوان «اولین جرقه مبارزه مسلحانه در ایران» (۷) اعلام شد. آنها «صحت بیش بینی های» خود را برخ کشیدند و به تبلیغات وسیعی در این زمینه دست زدند. در تحلیل وقایع جنوب نوشتند «این جنگ جنگی است عادلانه و حق، جنگی است علیه بیاد گریه های رژیم، علیه چپانها و خیانتها هیئت حاکمه، جنگی است بخاطر برچیدن بساط رژیم که در طول حیات ننگین خود...» (۸) و افزودند که «سران نهضت جنوب میکوشند مبارزه خود را بر اساس قواعد جنگهای پارتیزانی سازمان دهند... بدین ترتیب نهضت جنوب از لحاظ ماهیت و شکل مبارزه با جنگهای عشایری تفاوت دارد و به همین جهت این کانون مبارزه مسلحانه میتواند بچنان آتشی تبدیل گردد که خرمن زندگی شاه و دستگاه حاکمه را بسوزاند.» (۹) آنها همه انقلابیون و همه مردم و از تشیسان شرافتمند را دعوت بکام به «مبارزان جنوب» بویژه از راه پیوستن بنهضت جنوب و یا عمل مسلحانه مستقل دعوت کردند. (۱۰) و بالاخره با انتشار نامه «عطا و ایرج کشکولی» وانمود کردند که آنها هم در ایجاد و رهبری «نهضت جنوب» نخستین کانون مبارزه مسلحانه» (۱۱) سهیم اند. شایان ذکر است که بین انشعابیان و برخی دیگر از گروههای سیاسی بر سر نسبت دادن «نهضت جنوب» بخود مسابقه ای در ظاهر و مبارزه ای در باطن در گرفت.

عقب گرد سریع

وقتی نخستین آثار شکست در صفوف شورشیان جنوب آشکار شد انشعابگران با يك عقب گرد سریع اعلام کردند که «این مبارزه نه دارای برنامه سیاسی نه دارای تشکیلات سیاسی و نه دارای رهبری سیاسی بوده است و نه حتی همه افراد شرکت کننده در آن دارای آگاهی سیاسی بوده اند» (۱۲) و افزودند که «طبیعی است در چنین شرایطی

مگر نه اینست که سرانجام مجبور به اعتراف شدند که این شورشها هیچگونه خصلت سیاسی نداشته و نمیتوانسته است داشته باشد؟ مگر میتوان بطور مصنوعی بچنین جنبشی «محتوی سیاسی» داد؟ مگر میتوان فقط با دادن شعار «انقلاب قهر آمیز» مبارزه مسلحانه و جنگ پارتیزانی بوجود آورد؟

حزب ما معتقد بود و هست که برای هر میهن پرست و آزادیخواه ایرانی آرزویی بزرگتر از این نیست که رژیم ضد ملی وضد دمکراتیک ایران هر چه زودتر و بهر وسیله سرنگون شود و جای خود را بیک رژیم ملی و دمکراتیک بدهد. ولی حزب ما در همانحال که معتقد است برای تحقق این آرزو با تمام نیرو و با استفاده از تمام امکانات باید مبارزه کرد، آرزوی خود را بجای واقعیت نمیگذارد.

حزب ما مارکسیست-لنینیست است و به همین دلیل با شیوه علمی به تحلیل واقعیت عینی میپردازد و نتیجه گیری میکند. بر همین اساس حزب ما به این نتیجه رسیده است که شرایط عینی و ذهنی انقلاب اکنون در ایران فراهم نیست. به همین جهت حزب ما و همه نیروهای انقلابی و مترقی وظیفه دارند به تدارک و تأمین عامل ذهنی (که در اختیار آنهاست) یعنی افشاء ماهیت رژیم، تجهیز و تشکل مردم به مبارزه در تمام زمینه ها و با استفاده از تمام اشکال ممکن بر ضد رژیم، احیاء سازمانهای حزبی در ایران و تأمین وحدت عمل نیروهای اپوزیسیون دمکراتیک و انقلابی بپردازند تا هنگام فراهم آمدن شرایط عینی انقلاب بتوانند از آن برای استقرار حکومت ملی و دمکراتیک در ایران استفاده کنند. اینکه از چه راه اینکار انجام خواهد گرفت فقط در همان زمان معلوم و معین خواهد شد. حزب ما معتقد است که باید از همه راهها - مسالمت آمیز و غیر مسالمت آمیز - قانونی و غیر قانونی - مخفی و علنی استفاده کرد.

اشتباه اساسی انشعابگران این بوده و هست که از موضع مارکسیسم-لنینیسم دور شده اند. در نتیجه تمایل خود را بجای واقعیت گذارده اند، از تحلیل مشخص اوضاع ایران سرباز زده اند و خواسته اند شعاری را که ممکن است در نقاط دیگری صحیح باشد در قالب وضع کنونی ایران بریزند، از وقوع حوادث گوناگون در ایران - از جمله شورش جنوب - نتیجه گیری های نادرست کرده اند و اینک آنها مانده اند و شعاری که محتوی واقعی و عینی ندارد.

از انشعابگران چه باقی مانده است

اگر از انشعابگران شعار «انقلاب قهر آمیز» که موجودیت سازمانی و سیاسی آنها بسته به آن بوده و هست - گرفته شود (و واقعیت سر سخت - چه آنها بدان اعتراف کنند و چه نکنند - غیر واقعی بودن شعارها در شرایط مشخص کنونی نشان داده است) چه باقی میماند؟ يك مشت دشنام و اتهام به حزب توده ایران و اتحاد شوروی. فعالیت اصلی آنها در چه زمینه است؟ در مبارزه

با حزب توده ایران و اتحاد شوروی. آیا افرادی که میخواهند در ایران انقلاب کنند فقط همین وظیفه برایشان باقی مانده است که بدشنام گوئی و افترا زنی بپردازند و به تشتت فکری و تفرقه سازمانی در بین نیروهای اپوزیسیون ضد رژیم دامن بزنند؟ اینکارها را که امیرالیسم و رژیم مدتهاست بر ضد حزب ما انجام میدهند؟

زیان و خطر

زیانی که انشعابگران به حزب ما و نهضت توده ای و جنبش ملی و ضد امپریالیستی ایران وارد کرده اند فقط این نیست که بر پیکر حزب توده ایران لطمه زده، بر تشتت فکری و تفرقه سازمانی - وقتی که بیش از هر زمان دیگری اتحاد نیروها لازم است - افزوده و به تبلیغات ضد توده ای و ضد شوروی دامن زده اند. آنها با شعار «انقلاب قهر آمیز» در گروهی از جوانان و دانشجویان محیط خود امید ایجاد کردند، و حالا که این امید واهی از آب در آمده است دوران یأس، سر خوردگی و حتی تسلیم آغاز شده است. این زیانی است که اگر اثرات آن از زیان نخستین بیشتر نباشد کمتر نیست چون برای آینده مبارزه و سر نوشت نهضت اهمیت حیاتی دارد. فراموش نکنیم که رژیم میکوشد ب مردم ایران و بویژه جوانان و روشنفکران بفهماند که مبارزه بیفایده است و بدین ترتیب آنها را براه سازش با بیطرفی وادارد. این خطری است که تا روشن شدن باز هم بیشتر واقع بینانه نبودن شعارها و روشهای انقلابی مآبانه بیشتر میشود.

وظیفه چیست؟

اینک بار دیگر وظیفه سنگینی بردوش حزب ماست. باید نشان داد که واقع بینانه بودن يك شعار نباید و نمیتواند توجهی برای یأس، سر خوردگی، کناره گیری، سازش و تسلیم باشد. باید این حقیقت را به گمان بفرماند که آنچه مهم است مبارزه است نه اشکال آن؛ و مبارزه طولانی، بغرنج و دشوار است. و دیگری در چنین مبارزه ای است که جوهر يك انقلابی واقعی را آشکار میسازد و پیروزی مبارزه را تضمین میکند. سخن لنین بزرگ را از یاد نبریم که: میگفت «قهرمانی در کار سازمانی طولانی مصرانه در مقیاس سراسر کشور بمراتب دشوارتر و در عوض بمراتب عالتر از قهرمانی قیامهاست.» (۱۴)

م. انوشه

(۱) روزنامه «توده»، شماره پنجم - سال اول - آذر ۱۳۴۵: (۲) مصوبت دومین کنفرانس سازمان انقلابی حزب توده ایران در خارج از کشور، (۳) همانجا؛ (۴) همانجا؛ (۵) همانجا؛ (۶) روزنامه «توده»، شماره فوق العاده تیرماه ۱۳۴۵: (۷) روزنامه «توده»، شماره اول سال اول - فروردین ۱۳۴۵: (۸) همانجا؛ (۹) همانجا؛ (۱۰) روزنامه «توده» شماره هشتم - سال دوم - فروردین ۱۳۴۶: (۱۱) روزنامه «توده»، شماره اول - سال اول - فروردین ۱۳۴۵: (۱۲) روزنامه «توده»، شماره فوق العاده تیرماه ۱۳۴۵: (۱۳) همانجا؛ (۱۴) لنین - آثار منتخبه - جلد دوم قسمت دوم - صفحه ۱۴

برخی مختصات جنبش های رهائی بخش ملی در مرحله کنونی

ذیلا ترجمه مقاله جالبی را که تحت عنوان فوق بقلم پروفیسور ر. اولیانوسکی در تاریخ سوم ژانویه ۱۹۶۸ در روزنامه پراودا چاپ شده است با اندکی تلخیص بنظر خوانندگان ارجمند مردم، میرسانیم. عنوان داخلی مقاله از هیئت تحریریه ماهنامه است. مردم.

تازانیا نیز اکنون در همین جاده گام میگذارد. در صورت تأمین شرائط مساعد داخلی و خارجی رشد و تکامل، و در صورت افزایش نفوذ سوسیالیسم علمی و نقش زحمتکشان در رهبری کشور از طریق سمت سوسیالیستی همه گونه امکان وجود دارد که این کشورها از راه غیر سرمایه داری به سوی سوسیالیسم بروند. ایندولوگها و سیاستمداران امپریالیسم نیک در میابند که طی ۱۰ الی ۱۵ سال رشد و تکامل موفقت آمیز این کشورها که در جاده غیر سرمایه داری گام گذاشته اند جریان انتقال آنان به نظام نوین اجتماعی به امری بازگشت ناپذیر مبدل میشود. هم اکنون روشن میگردد که نیروهای اجتماعی ومقامات حاکمه ملی دموکرات که در راه تکامل ضد سرمایه داری مبارزه میکنند قوام و استحکام می یابند و ثبات فراوانی کسب میکنند و بر آن مشکلات جدی که در سر راه ایجاد اقتصاد ملی و جامعه نوین قرار دارد فاتق می آیند.

مسئله وابستگی و استقلال اقتصادی

اکثر کشورهای رها شده آسیا و آفریقا و از آنجمله حتی آن کشورهای که در جاده تکامل غیر سرمایه داری گام گذاشته اند کماکان با اقتصاد جهان سرمایه داری روابط بسیار نزدیک دارند. این امر حاکی از خصیصه مهم تکامل آنهاست و موجد مشکلات عدیده ای است که جمهوری های شوروی آسیای مرکزی و مغولستان با آنها روبرو نبوده اند. سرمایه داری جهان بحکم سرشت خود و بر اثر سلطه انحصارها دائماً میکوشد بنیاد اقتصادی یک وضع نابرابر و وابسته را در این کشورهای آزاد شده و حتی در آن کشورهایی که اکنون میکوشند از مدار سرمایه داری خارج شوند بوجود آورد. کشورهای رها شده ای که جاده سرمایه داری را طی میکنند تا زمانی که مبارزه آنها علیه امپریالیسم و برای استقلال آنها را بجاده تکاملی کفایت میزند (یعنی جاده تکامل غیر سرمایه داری) منتقل نکند منابع اقتصادی خود را از دست میدهند و در آینده نیز از دست خواهند داد.

مبارزه برای تحصیل استقلال اقتصادی ظاهراً زمان درازی را میطلبد. اگر استقلال سیاسی را بتوان در مبارزه ملی و انقلابی از طریق مسلح یا مسالمت آمیز و با طرد اسارتگران امپریالیستی و شکستن دستگاه جور و ستم آنها بست آورد، لازمه مبارزه در راه استقلال اقتصادی بکار بردن دراز مدت اشکال و اسباب ویژه ساختمان

سه گروه اصلی کشور های ملی

میتوان بشکل مشروط گفت که در حال حاضر بطور نسبی حدود و ثغور منقح سه گروه اصلی کشورهای نواستقلال مشخص شده است:

۱ - گروه اول

بر راس کشورهای این گروه بورژوازی ملی به تنهایی یا در اتحاد با نیمه فئودالها و گاه ملاکان سرمایه دار قرار گرفته است. در این کشورها که بطور عمده در آسیای جنوبی و جنوب شرقی و خاور میانه قرار دارند و برخی از کشورهای مغرب (بخش عربی شمال آفریقا) را نیز باید جزء آنها دانست طبقات جامعه معاصر کم و بیش شکل گرفته اند و این طبقات با جامعه نیمه فئودالی در ده که تحت سیطره بهره کشی سرمایه داری و ماقبل سرمایه داری است همزیستی دارند. روستای ماقبل سرمایه داری یا در حال گذار به سرمایه داری هم از جهت کمی و هم از جهت اقتصادی هنوز در این کشورها مسلط است ولی شهر سرمایه داری سمت رشد را رهبری و تعیین میکند و روستا را بدنبال خود «میکشد». بورژوازی ملی در این کشورها بطور کلی موضع گیری ضد استعماری دارد، ولی در عین حال طبقه عمده است و در آخرین تحلیل انتقال این کشورها را بره غیر سرمایه داری مانع میشود.

۲ - گروه دوم

راه تکامل کشورهای این گروه دوم که استقلال دولتی را بدست آورده اند (هر قدر هم که گاه این استقلال جنبه صوری داشته باشد) هنوز بطور نهائی روشن نشده است. باین گروه بزرگ مقدم بر همه تعداد معتابه کشورهای آفریقائی که ساخت طبقاتی نا استواری دارند متعلقند. مبارزه برای انتخاب راه تکامل در این کشورها هنوز جریان دارد.

۳ - گروه سوم

سومین گروه کشورهای هستند که در جاده رشد غیر سرمایه داری، در سمت سوسیالیسم گام گذاشته اند. این کشورها بعنوان پیشاهنگ نیروهای نه فقط رهائی ملی بلکه رهائی اجتماعی خلقهای آسیا و آفریقا و نزدیکترین متحد سیستم جهانی سوسیالیستی و جنبش کارگری جهانی عمل میکنند. در این کشورها دموکراتهای ملی انقلابی بر سر کار هستند. این دموکراتهای ملی انقلابی با استفاده از پشتیبانی سیستم جهانی سوسیالیستی مبارزه پیگیر ضد امپریالیستی را ادامه میدهند و به اصلاحات مهم سیاسی و اجتماعی دست میزنند و برای این منظور تدابیر قاطعی برای تغییر مناسبات مالکیت در عرصه تقریباً همه اشکال اقتصادی ولی بطور عمده در عرصه اشکال فئودالی و سرمایه داری اتخاذ میکنند. کشورهای این قبیل جمهوری متحده عربی، الجزیره، سوریه، برمه، مالی، گینه، آنگولی برازاول از این قبیل اند.

مؤسسات اقتصادی، علمی، فنی، فرهنگی، اداری و بالا بردن سطح رفاه زحمتکشان و اجراء اصلاحات اقتصادی بسود خلق است. بهمین جهت است که مبارزه در راه استقلال اقتصادی تنها یک مبارزه اقتصادی نیست، بلکه یک مبارزه عمیق سیاسی و در آخرین تحلیل یک نبرد طبقاتی است. بدیهی است که در جامعه طبقاتی، طبقات و قشر های مختلفه نسبت به مسئله استقلال اقتصادی برخورد های گوناگونی دارند و شیوه های مختلفی را برای نیل به استقلال اقتصادی بکار می بندند. بورژوازی ملی سیاست دولتی را در اکثر کشورهای رها شده هم آهنگ با منافع طبقاتی خود اجراء میکند و میکوشد با استقلال اقتصادی در چارچوب حفظ نظام بورژوائی و تکامل سرمایه داری در عین حفظ و تحکیم استقلال دولتی و حاکمیت خویش یعنی سلطه طبقاتی خود دست یابد. بورژوازی ملی محلی قادر است طی مدت معین مبارزه با امپریالیسم را برای نیل به استقلال اقتصادی ادامه دهد و ظاهراً نقش او از اینجهت در بسیاری از کشورها هنوز خاتمه نیافته است.

ولیکن تجربه بازنده الی بیست سال اخیر تدریجاً تمایل آشکار بورژوازی ملی را برای حل تناقضات اقتصادی خود با سرمایه خارجی غالباً نه از طریق راندن او از مواضع اشغال شده اش بلکه از طریق سازش با وی (بدون ریشه کن کردن مبانی حاکمیت اقتصادی اش) نشان میدهد. بسیاری از کشورهای بزرگ آسیای جنوبی و جنوب شرقی نمونه ای از این اسلوب را نشان میدهند.

در کشورهای که بورژوازی محلی بمثابه طبقه شکل گرفته و مالکین بورژوا شده بر سر کارند سیاست اقتصادی چنان است که رشد و تکامل سرمایه داری دولتی و در مرحله اول سرمایه داری خصوصی همه جانبه تشدید میشود. طبقات حاکمه بورژوازی برای نیل باین منظور چه وسائلی را در دست دارند؟ قبل از همه حاکمیت سیاسی که بالقوه بزرگترین قدرت اقتصادی است و نیز اهرم های مالیاتی (که برای مقاصد تراکم از آن استفاده میشود) در دست آنهاست. نقش تنظیم کننده و مدیره دولت در کشورهای رشد یابنده در زمینه تکامل سرمایه نسبت به دوران مستعمراتی افزایش معتنا بهی یافته است. ولی این نقش از کشورهای رشد یافته سرمایه داری بسی کمتر است. در کشورهای رشد یافته سرمایه داری از ۲۵ الی ۳۵ تا ۴۰ درصد درآمد ملی انباشت میشود و حال آنکه در اکثر کشورهای کم رشد میزان

انباشت از ۱۵ الی ۲۰ درصد متجاوز نیست. در این شرایط تلاش دستگاه دولتی این کشورها برای توسل به سرمایه ها و قرضه های خارجی مفهوم است و در اواسط سالهای ۶۰ بمیزان ۳۰ الی ۳۵ درصد سرمایه گذاری در رشته های اساسی اقتصادی کشور به این سرمایه ها و قرضه ها مربوط بوده است. سهم منابع خارجی نسبت به مجموعه سرمایه گذارها سال سال افزایش مییابد و در کشورهای جنوب شرق و خاور دور به ۲۰ درصد، در هندوستان به ۳۰ الی ۳۵ درصد و در کشورهای آفریقائی به ۳۷ الی ۴۰ درصد بالغ است. خطر این وضع عبارتست از وابستگی روز افزون مالی کشورهای کم رشد به سرمایه مالی بین المللی. حساب شده است برای اینکه از طریق راه سرمایه داری این کشورها به سطح کنونی سرمایه داری غرب از جهت درآمد سرانه اهالی برسد، حد اقل ۸۰ الی ۱۰۰ سال لازم است و این خود مردم این کشورها را به محرومیتهای تازه ای محکوم میکند. سرمایه داری محلی خصوصی در کشورهای آسیائی و آفریقائی که از لحاظ اقتصادی کم رشد هستند بدشواری میتواند خود را گسترش دهد. بازراداخلی بسیار تنگ است، شرائط تراکم سخت محدود است و وابستگی اقتصادی و مالی به انحصارهای خارجی زیاد است.

مسئله دموکراتیزاسیون حیات سیاسی و اقتصادی

در شرائطی که مسائل عمده اقتصادی واجتماعی رشد تا آخر حل نشده است، وظیفه دموکراتیزاسیون حیات اجتماعی کشورهای رها شده دمدم میرم تر و حاد تر میگردد. باید انرژی در بند اجتماعی و سیاسی بخش عمده اهالی را در این کشورها به سود شکفتگی کامل رهائی ملی آزاد ساخت. رژیم مستعمراتی بر افتاده است. در این کشورها نیرو های جدیدی بر سر کارند. در میان این افراد تعداد میهن پرستان شریف و خادمان خلق کم نیستند. ولی در عمده ترین حلقهات دستگاه دولتی، با کارمندان دستگاههای مستعمراتی قدیم، با کارمندانی که با روح سنن و مقررات کهن بار آمده اند نشسته اند. قشر فوقانی دستگاه دولتی و حلقهات میانه این دستگاه بطور عمده از افرادی که از میان قشرهای ثروتمند یا نزدیکان آنها برخاسته اند مملو است. بدین ترتیب دموکراتیزاسیون واقعی دستگاه اجتماعی و سیاسی و حیات اجتماعی در اکثریت کشورهای رها شده انجام نگرفته است. در ارتش که معمولاً در اداره امور مدنی و اقتصادی شرکت دارد و در سازمانهای امنیت و پلیس و مؤسسات اقتصادی و اداری عده ای از کشورهای فساد و رشوه خواری تا حد یک خطر اجتماعی گسترش یافته است. در ۱۵ سال اخیر در یک سلسله از کشورهای رها شده تحول رژیم سیاسی انجام گرفته است. این تحولات بنحوی از انحاء دنباله در صفحه ۴

دنباله از صفحه ۳

برخی مختصات جنبش های رهائی بخش

ملی در مرحله کنونی

نتیجه آنست که توده های مردم و زحمتکشان که در مبارزه با امپریالیسم مهمترین قربانیها را داده اند از بهره کشی و فقر رها نشده و سهولت محسوسی در زندگی خویش احساس نمیکنند.

نیروهای مترقی این کشورها درک کرده اند که برای ارضاء توده های مردم و تأمین اصلاحاتی که برای خلق لازم است و گرایش انقلابی مبارزه ملی را برعصه اجتماعی نیز منتقل میکند باید رهبری سیاسی نزدیک و متعلق و مبتنی بر ائتلاف و سیستم اجتماعی بوجود آید. در درون چنین ائتلافی نیروهای میهن پرستی که علیه امپریالیسم مبارزه میکنند و آن قشرهای اجتماعی که ضرورت طرد شیوه سرمایه داری و انتقال براه رشد کیفی متمایز غیر سرمایه داری را درک مینمایند میتوانند دست در دست هم عمل کنند.

بورژوازی ملی و پرولتاریا

در دوران مبارزه علیه رژیمهای مستعمراتی بورژوازی ملی غالباً بر رأس جنبش ملی قرار داشت. در مرحله کنونی مبارزه رهائی بخش ملی، بورژوازی ملی هم اکنون در بسیاری از کشورها ناتوانی خود را برای ادامه اجراء این نقش نشان میدهد. البته این بدینمعنی نیست که بورژوازی ملی در همه جا شرکت در مبارزه ضد امپریالیستی را رها کرده و اهمیت خود را بمثابة یک نیروی ضد امپریالیستی از دست داده است. برخی از قشرهای بورژوازی و در مرحله اول قشرهای متوسط غیر انحصاری که از سیستم سرمایه خارجی زیان آشکار می بینند هنوز در این مبارزه شرکت میجویند و خواهند جست.

گرایش تاریخی در جنبش رهائی بخش ملی عبارتست از افزایش تدریجی و روزافزون نقش طبقه کارگر. ولی پرولتاریا اکثریت کشور های رها شده هنوز نقش رهبری را بدست نیاورده است. این نقش زمانی بوی تعلق خواهد گرفت که با شرکت فعال در نبرد روزمره علیه امپریالیسم و استعمار و بسود خلق، دهقانان، خورده بورژوازی شهرها و توده های غیر پرولتاری خلق را بگرد خویش متحد سازد. در یکسلسله از کشورها این

هموطنان عزیز! رفقای حزبی!

به این آدرس در استکهلم (سوئد) با رادیو نیک ایران، ماهنامه مردم، مجله دنیا و مجله مسائل بین المللی مکاتبه کنید. نظریات، انتقادات و پیشنهاد های خود را برای بهبود رادیو و مطبوعات و مجموعه فعالیت ما ارسال دارید.

P. B. 4176

Stockholm 4
Sweden

است) مشی تکامل صنعتی دنبال میگردد. سیاست ترفیخواهانه خارجی تعقیب میشود. با اتحاد شوروی و کشورهای دیگر سوسیالیستی روابط دوستانه برقرار میگردد.

کمونیستها و دموکراتهای ملی

علیرغم اختلافاتی که در این کشورها بین کمونیستها و دموکراتهای ملی وجود دارد از لحاظ تاریخی آنها در یک سمت گام برمیدارند. جائیکه بین آنها عدم توافق و اختلاف وجود دارد بیشتر باز مانده گذشته است تا قانونمندی ضرور آید. در مقابل آنها امپریالیسم این دشمن مشترک و دربرینه قرار دارد. سرمایه داری بمثابة دورنمای تکامل آید دشمن مشترک مهمتری است. زیرا خطر واقعی بلعیده شدن این کشورها را بوسیله همان امپریالیسم (یعنی اقتصاد جهانی سرمایه داری) و بسر کار آمدن بورژوازی یا ائتلاف بورژوازی و ملاکان و بوروکراسی بورژوازی (که کشور را با کمک استعمار یون نو بگرداپ سرمایه داری خواهد کشاند) بوجود میآورد.

روشن است که احدی منکر این مسئله نیست که مواضع کمونیستها و دموکراتهای ملی علیرغم اشتراك نظر در بسیاری از مسائل کاملاً با یکدیگر منطبق نیست. تفاوت قبل از همه در درک اشکال و اسالیب تحول اجتماعی و طرق تکامل آتی انقلاب و جلب توده های وسیع مردم به اداره کشور و تعیین نقش قشرها و طبقات مختلفه اجتماعی و مقدم بر همه تعیین نقش طبقه کارگر و سوسیالیسم علمی است. سکتاریسم خواهد بود اگر بر این پایه کمونیست ها و دموکراتهای ملی امکان وسیعترین و نزدیکترین ائتلاف و همکاری در مبارزه مشترک برای منافع اساسی خلق را متفق سازند. مبارزه و خودزندگی دموکراتهای انقلابی بیکدیگر را به استمداد بیش از پیش از توده ها و زحمتکشان و طبقه کارگر و درک اینکه تنها از طریق دفاع توده زحمتکش میتوان در میان مردم کسب حیثیت کرد و امیدارد. زندگی بطور قاطعی تمام کسانی را که ضمیمانه خود را وقف خدمت به خلق کرده اند و امیدارد که به زحمتکشان و اصول سوسیالیسم علمی رو آورند.

منافع مبارزه برای رهائی کشور مطبلد که کلیه نیروهای چپ متحد شوند و همکاری کنند. شکل واحدی هم، برای سازمان و همکاری نیرو های چپ که برای تمام کشورها و برای تمام شرائط یکسان باشد وجود ندارد. اسالیب و اشکال سازمان دادن همکاری نیرو های چپ سوسیالیستی جنبش رهائی بخش ملی اکنون اتفاقاً بوسیله خود زندگی و در انطباق با شرائط کشور بوجود میآید. این نوع تجربیات دارای اهمیت تئوریک و عملی فراوانی است.

سیر انقلابات نجات بخش ملی به افراد جدا گانه، احزاب و سازمانهای توده ای و سرپای طبقات تجربه ما موزد و پندار های مربوط به امکان اجراء اصلاحات عمیق اجتماعی

بدون مبارزه طبقاتی را بر باد میدهد. بسیاری از دموکراتهای ملی شروع بدارک این نکته کرده اند که بهنگام انتخاب راه سوسیالیستی باید از گنجینه سوسیالیسم علمی و تجارب تاریخی آن استفاده کرد. سوسیالیسم علمی پرچم عظیم ترین جنبش اجتماعی در تاریخ بشریت است طبقه کارگر و زحمتکشان کشور های آسیا و افریقا در زیر این پرچم متحد میشوند و با دیگر نیرو های انقلابی کشور های خود و کشورهای سوسیالیستی و جنبش کارگری جهانی مشترکاً نیروئی شکست نا پذیر را بوجود میآورند.

قابل توجه علاقمندان

به نشریات توده

با تقاضای خوانندگان و با ابراز تشکر از ایشان که آمادگی خود را برای پرداخت بهای نشریات توده اعلام داشته اند، بدینوسیله بهای مهمترین نشریات توده به اطلاع همگان میرسد. ضمناً از خوانندگان گرامی خواهشمندیم که نکات زیر را رعایت فرمایند:

- بهای نشریات را به حساب بانکی اعلام شده بپردازند.
- خوانندگان مقیم خارج از کشور معادل ریالی بهای نشریات را به پول کشور محل اقامت خود بپردازند.
- خوانندگان گرامی بابت نشریاتی که تاکنون دریافت داشته اند هر قدر میتواند کمک کنند.
- مبلغ ارسالی را کتباً نیز بما اطلاع دهند.

نام نشریه	بها
ماهنامه مردم	۱۰ ریال
مجله دنیا	۴۰ »
مجله مسائل بین المللی	۲۰ »
مانیفست	۴۰ »
سرمایه (هر جلد)	۴۰ »
سخنرانی لنین در کنگره دوم	۲۰ »
کمونیستهای خاور زمین	۴۰ »
دولت و انقلاب	۲۰۰ »
منتخبات آثار لنین (هر جلد)	۲۰۰ »
برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی	۲۰ »
اصول فلسفه مارکسیسم	۲۰ »
آخرین دفاع روزبه	۴۰ »
یادداشت های فلسفی و اجتماعی	۴۰ »
گشوات	۱۰ »
خان و دیگران	۲۰ »
یادنامه شهیدان	۱۰ »
رژیم ترور و اختناق	۲۰ »
خیانت او بوطنش	۳۰ »
حق ملل در تعیین سرنوشت خویش	۳۰ »

Sweden
Stockholm,
Stockholms Sparbank

شماره حساب بانکی
C-1265-5

دامنه همبستگی خود را با مردم قهرمان ویتنام گسترش دهید

مردم صلح دوست و آزادی طلب ایران از تبه کاری امپریالیست‌ها در ویتنام برآشفته‌اند آنها نمیخواهند که شهرها و دهکده‌های ویتنام بسوزد و کودکان و زنان و مردان قتل عام شوند و تا کنون با آنکه امکانات بسیار محدودی دارند، از راه‌های گوناگون مردم ویتنام یاری کرده‌اند و خروج منجوازیین امریکائی را خواستار شده‌اند.

عده‌ای از هموطنان ما با ارسال نامه‌های اعتراض آمیز به سفارتخانه‌های امریکادر تهران و کشورهای دیگر ارسال نامه و کارت پستال به موسسات مختلف امریکائی در شهرهای مختلف ایران، جمع آوری پول برای مردم ویتنام فرستادن دوا و وسایل یدمان کوشیده‌اند تا در امر مقدس مردم ویتنام که از خانه و مزرعه، از کارخانه و مدرسه خود دفاع میکنند ولو بمیزان کوچکی شرکت ورزند. دریکی از این اعتراضهای جمعی نوشته شده است «شما با مداخلات نظامی خود در ویتنام حیثیت جهانی خود را بر باد داده‌اید و با ادامه کشمکش‌های بی ثمر مصائب بشماری را بر ملت قهرمان ویتنام که از آزادی خود دفاع میکنند وارد نموده‌اید. تمام مردم صلح دوست جهان طلب میکنند که شما نیروهای خود را از ویتنام خارج کنید و مردم ویتنام را در تعیین سرنوشت خویش آزاد بگذارید»

ما خروج فوری نیروهای شما را از ویتنام طلب میکنیم...»

عده‌ای از هموطنان ما که در خارج از کشور بسر میبرند و امکانات بیشتری برای دارند، با ابتکارات مختلف مانند اهداء خون جمع آوری دوا، تشکیل جلسات همبستگی شرکت در تظاهرات خیابانی، کار داوطلبانه در روزهای تعطیل بنفع ویتنام کوشیده‌اند در حد خود کمک موثر تری به بیکار عادلانه مردم ویتنام بکنند.

این فعالتهای گرچه در وهله اول ناچیز بنظر میرسد، ولی اگر منظمآ ادامه یابد و توسعه پیدا کند یاری خوبی بمردم ویتنام خواهد رساند. بعلاوه این امر در حکم اجرای وظیفه وجدانی و اخلاقی هر فرد شرافتمند است که از تجاوز امپریالیسم به کشور قهرمان ویتنام متنفر است.

فرستادن نامه های فردی و جمعی بتمام مؤسسات امریکائی در ایران و خارج توضیح خواستن از کارمندان امریکائی در مؤسسات مختلف، جمع آوری دوا و پول، نوشتن مقاله در مطبوعات، افشای جنایات امریکائیها در ویتنام در صفحات مجرایه، تمام اینها میتواند حس همدردی مات ما را با خلق ویتنام تقویت کند و تنفر نسبت بجنایات امریکائیها را به جنبشی مبدل سازد.

دنباله از صفحه ۱

اعلامیه پولیت بوروی کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان

کردن و انتخاب شدن را بملاحظه باامال میسازند و هزاران تن از شرکت کنندگان جنبش مقاومت ملی و مبارزان راه دمو کراسی را در باز داشت گاهها و زندانهای کلانتریها نگاهمیدارند و شکنجه و اعمال فشار در زندانهای سازمان امنیت با شدت سابق ادامه دارد.

وظیفه مردم بلا کشیده، ولی بزانو در نیامده و تمام سازمانهای سیاسی کشور که علیه میلیتاریستها مبارزه میکنند و نمیخواهند بیگانگان با سرنوشت ملت ما بازی کنند

آنست که هر گونه اختلاف نظر را در باره مسائل دیگر کنار بگذارند و به اتحاد نیروهای خود بپردازند و مبارزه خود را برای عقیم گذاشتن نقشه های رژیم و حامیان اجنبی آن و پایان دادن به شکنجه و اعمال فشار و آزادی تمام زندانیان سیاسی و برانداختن دیکتاتوری که به نیروی اسلحه خارجی در کشور ما برقرار شده هماهنگ سازند و تقویت نمایند و برای احیای دمو کراسی بکوشند.

پولیت بوروی کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان ۲۵ دسامبر ۱۹۶۷

دنباله از صفحه ۶

رویداد های جهان

نمایندگان بیش از ۶۰ کشور از جمله نماینده جوانان توده ای ایران شرکت داشت. او از طرف جوانان ترقیخواه ایران بکنگره تبریک گفت و از موفقیتهای مردم و جوانان بلغار که بیروزمندان سوسیالیسم را در کشور خود مسازند ابراز خرسندی نمود. نماینده جوانان توده درسختنرانی خود از وضع کشور ما، از زندگی جوانان و محرومیتهای آنها سخن گفت و افزود: «در دوران کنونی کشور با دیکتاتوری ظالمانه ای روبرو است، زندانهای ایران از مبارزان توده ای، دمو کرات و ملی مملو شده است، آزادی بیان، قلم و اجتماعات وجود ندارد و کمترین واکش جوانان برای گرفتن حقوق خود با

شدیدترین و خشن ترین پاسخ رژیم ضد ملی و ضد دمو کراتیک ایران روبرو میشود.»

سپس سخنگوی جوانان توده ای ایران از خواستهای جوانان ایران، از طرز مبارزه آنها و شهامت کارگران، دانشجویان و دیگر مردم ایران که در این شرایط دشوار بیکار میکنند و پرچم مبارزه را در اهتزاز نگهداشته اند صحبت کرد و یاری جوانان بلغارستان و دیگر جوانان جهان را نسبت به مبارزان جوان ایران طلب نمود. او درخانه گفت: «ما میدانیم که فقط با یک مبارزه پیگیر و متشکل و با اتحاد همه نیروهای ملی و دمو کرات و آزادی دوست میتوانیم در ایران یک جامعه دمو کراتیک ایجاد کنیم که در آن جوانان ما بتوانند از تمام مزایای یک زندگی نوین استفاده کنند.»

در باره جلسه مشورتی

احزاب کمونیستی و کارگری

فوریه ۱۹۶۸ تشکیل گردد، در باره هدف، خصلت و دستور کنفرانس جهانی احزاب کمونیستی و کارگری، در باره چگونگی تدارک و برگزاری کنفرانس مزبور، راجع بتاریخ و محل تشکیل آن و نیز در باره کلیه مسائل و پیشنهادهایی که از جانب احزاب شرکت کننده لازم تشخیص داده شود، به تبادل نظر و بحث خواهد پرداخت.

بی شک در باره تشکیل کنفرانس و چگونگی تدارک و برگزاری آن نظریات گوناگونی وجود دارد. ضرورت تشکیل جلسه مقدماتی نیز از همین تنوع در ارزیابی مسائل و نحوه برخورد به هدفها و خصلت کنفرانس جهانی ناشی میگردد.

بنظر ما خصلت جمعی و عمیقآ دمو کراتیک جلسه مشورتی بودایست بخودی خود گام مهمی برای نزدیک شدن نظریات احزاب و ایجاد مواضع مشترک در باره تدارک و تشکیل کنفرانس جهانی است و مسلماً میتواند نقش بسیار ارزنده ای در رفع دشواریهای گوناگونی که طی چند سال اخیر مانع تشکیل کنفرانس جهانی احزاب کمونیستی و کارگری شده است ایفاء نماید.

بهین جهت است که کمیته مرکزی حزب توده ایران ضمن نامه ای که در پاسخ دعوت کمیته مرکزی حزب سوسیالیست کارگری مجارستان نگاشته است صریحآ به این نکته تکیه نموده و ابتکار دعوت نمایندگان کلیه احزاب را برای مشورت جمعی و دمو کراتیک در باره چگونگی تشکیل و برگزاری کنفرانس جهانی مبنای موافقت و تأیید خویش قرار داده است.

جلسه مشورتی بودایست نخستین گام مهم جمعی در راه ایجاد آنچنان شرایطی است که بتواند ثمربخشی کنفرانس جهانی احزاب کمونیستی و کارگری را تأمین نماید و زمینه مناسب و صحیحی برای قدمهای مؤثر بعدی در جهت تأمین و تحکیم وحدت و همبستگی جنبش جهانی کمونیستی و کارگری فراهم سازد.

حزب توده ایران بنا بمبانی عقیده ای خود و بمثابه یکی از اعضا سابقه دار جنبش کمونیستی و کارگری جهانی تا آنجا که در قوه دارد در راه کامیابی جلسه مشورتی بودایست و مراحل بعدی تدارک کنفرانس جهانی صادقانه خواهد کوشید. زیرا چنانکه مکرراً خاطر نشان ساخته است تشکیل کنفرانس جهانی را «بهترین و آزموده ترین طریق برای حصول توافق، ایجاد نظر مشترک و از بین بردن اختلافات در صفوف جنبش جهانی کمونیستی و کارگری» میداند و وحدت و یکپارچگی جنبش بین المللی کمونیستی و کارگری را شرط اساسی

دنباله از صفحه ۱

در گذشت تختی

و از مراجعه امور ورزشی باو خودداری میکرد. چندی پیش تختی یکی از دوستان خود گفت: اخیرآ از طرف دربار برای من پولی آوردند، ولی من آنرا رد کردم و گفتم: «مال دنیا را بدینا دار بخش، جیفه را پیش سگان انداختیم.» «کیهان ورزشی در مقاله ای که بمناسبت مرگ تختی نوشت صریحآ از روحیه ناراحت او سخن میگویی. «کیهان ورزشی» چنین مینویسد: «یک روزی با هم صحبت میکردیم. میگفت اگر مقصوم بگیرند. اگر مقصوم نیستم پس این حرفها چیست؟» همه میدانستند که دربار تختی را دوست ندارد.

مجموع این اوضاع در افکار عمومی تأثیر فوق العاده مثبتی بسود شخصیت تختی داشت و بهین جهت در مراسم دفن وی که روز یکشنبه ۲۳ دی در تهران برگزار شد جمعیتی انبوه از زحمتکشان و دانشجویان از تهران و شهرستانهای شمال و جنوب ایران حضور یافتند. خبرنگار اطلاعات در باره این مراسم نوشت: «عظمت مراسم هفته شادروان تختی و اندوه مردم تا کنون هرگز سابقه و نظیر نداشته و تجلیلی که از قهرمان ملی گردید خارج از حد معمول و انتظار بود.»

بنا بخواست تختی او را در مقبره شادروان شمشری یکی از هواداران صدیق و سرسخت دکتر مصدق دفن کردند. با این تمایل، تختی ایستادگی خود را در موضع سیاسی مورد علاقه خویش ثابت کرد. مردم ایران از چنین کسانی که مهوت زرق و برق استبداد نیشوند و براه خلق وفادار میمانند و میکوشند تا هر یک در حیطه استعداد خویش افتخاری برای جامعه بیاریابارند، سپاسگزارند.

در تهران شایعه خودکشی تختی جدآ مورد تردید است و بر آنند که در اینجا مسئله قتل در میان است نه خودکشی. حتی «کیهان ورزشی» باین مطلب اشاره ای دارد. از جمله مینویسد: «صورت و چهره خنده روی او در حالیکه دستش را بعنوان قدردانی بلند کرده بود و یک کمی بالا تر از تابوت دیده میشد... مثل اینکه میخواست چیزی بگوید... شاید هم داشت قائلین خود را معرفی میکرد.» حتی اگر این مطالب را شایعه بشمریم، باز علامت علاقه مردم به تختی و بی اعتمادی و کراهت آنها از دستگاه است.

ما بنوبه خود در گذشت جهان پهلوان را به خانواده و دوستان و هواداران غلامرضا تختی تسلیت میکنیم.

موفقیت در مبارزه مشترک علیه امپریالیسم و دفاع از مصالح حیاتی طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش و جنبشهای آزادی بخش خلق‌ها تلقی میکند.

دنباله از صفحه ۱

پیروز باد ارتش رهایی بخش ویتنام! مردم ویتنام با قهرمانی شگفت انگیز خود در تاریخ سراسر بشریت تأثیر ژرف خواهند کرد.

رویداد بی جهان

ترازنامه ده روز جنگ

ارتش رهایی بخش ویت نام جنوبی و نیروهای پارتیزانی در روزهای ۲۹ و ۳۰ ژانویه تعرض وسیع و همه جانبه نظامی و سیاسی خود را همراه مردم ویتنام جنوبی علیه متجاوزان امریکائی، دولت دست نشانده سایگون آغاز کرد و طی ده روز اولیه جنگ بموفقیتهای مهمی دست یافت که دعاوی گزاف آمیز جانسن و ژنرال وست مورلند را دایر به تسلط کامل بر شهرها و بر ۶۵ درصد اراضی ویتنام جنوبی بکلی بر باد داده است. اگر بخواهیم از ترازنامه این ده روز عملیات بر اساس اظهارات و اعلامیه های ارتش نجات بخش ملی فهرست وار یاد کنیم باید نکات زیرین را متذکر شویم:

تعرض علیه ۳۷ شهر بزرگ و شهرستانهایی مانند سایگون، دانانگ، هوئه، تانگان، پلکو، دالات و صد ها شهر و قصبه کوچک آغاز گردید. در سایگون نقاط مختلف مانند سفارت امریکا، ایستگاه رادیو، هتل کاراول و غیره بتصرف ارتش نجات بخش در آمد. باید گفت که امریکائیا بنای جدید سفارت خود را در سایگون تصرف ناپذیر را کرده بودند ولی همین دژ تصرف ناپذیر را افراد بسیار جوان ارتش نجات بخش مدت هفت ساعت در تصرف داشتند. در روزهای اخیر در سایگون ۹۰۰ تن افراد ارتش نجات بخش مشغول فعالیت شده اند. در این شهر بیش از ۲۰۰ هزار نفر از افراد متعلق به ارتش دولتی ویتنام جنوبی واحد های خود را ترک گفته اند و از نه گوی شهر هفت کوی تحت نظارت نیروی نجات بخش ملی قرار گرفته است. در بندر بزرگ هوئی پایتخت کهن ویتنام که تحت کنترل ارتش نجات بخش قرار گرفته اسلحه و مهمات فراوانی از امریکائیا بچنگ آمد. م. م. افتاد.

۳۵ پایگاه نظامی و ۳۰ مرکز هوائی امریکا و از آنجمله ۱۴ پایگاه هوائی مورد تعرض قرار گرفت. ۱۵۰۰ هوایما روی زمین بعلاوه ۴۰۰۰ کامیون و تانک و ازابه جنگی نابود گردید.

۵۰ کشتی جنگی و شش دستگاه فرستنده نابود گردید.

۵ میلیون تن بمب و گلوله و دهها هزار تن نفت و بنزین و مقدار زیادی مهمات دیگر یا نابود و یا به غنیمت گرفته شده است. ۵۰ هزار تن از افراد دشمن و از

آنیان ۲۹ هزار نفر از متجاوزان امریکائی از عرصه پیکار رانده شدند.

۲۰ هزار میهن پرست زندانی آزاد گردیدند.

۱ و ۴ و ۱ شماره ۱ و ۴ که ویژه حمل و نقل مهمات و ارتش دشمن است سد گردید و صد ها پل در این جاده ها منهدم شد.

هفتمین کنگره کنفدراسیون جهانی

محصلین و دانشجویان ایرانی

در هفته اول ژانویه هفتمین کنگره کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی در فرانکفورت (آلمان غربی) تشکیل بود.

در اثر بروز اختلاف بین برخی از نمایندگان کنگره بر سر نامزد های هیئت دبیران کنفدراسیون، کنگره موفق به انجام مهمترین کار خود یعنی انتخاب ارگانهای رهبری کنفدراسیون نشد و بناچار این کار بعهد به یک کنگره فوق العاده، که قرار است تا چند ماه دیگر تشکیل شود، محول گردید. این واقعه موجب تأسف همه

علاقتمندان به جنبش دانشجویان ایرانی است. ما بارها متذکر شده ایم که مشی نادرستی، که از جانب گروههای معینی در کنفدراسیون در پیش گرفته شده، منجر به تشدید اختلاف و تفرقه بین دانشجویان و در نتیجه تضعیف و فلج شدن کنفدراسیون میگردد. ما بارها هشدار داده ایم که در شرایطی که بیش از هر زمان دیگر به اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و ضد رژیم نیاز هست باید به نکات مشترک در مبارزه مشترک تکیه کرد و برای تخفیف و از بین بردن اختلافات، از راه مباحثات و انتقادات خلاق و دوستانه، کوشید. واقعه تأسف آور اخیر باید برای توده دانشجو، همه علاقتمندان به جنبش دانشجویان ایرانی و همه کسانی که در برابر جنبش دانشجویان ایرانی و نهضت ملی و ضد امپریالیستی ملت ایران احساس مسئولیت میکنند، هشدار و درس آموزنده جدیدی باشد. ما صادقانه امیدواریم که جنبش دانشجویان ایرانی و کنفدراسیون بتواند بر نارسائیا و اشتباهات خود غلبه کنند، اتحاد خود را در مبارزه برای دفاع از حقوق صنفی و سیاسی دانشجویان تعمیق و تحکیم نمایند و با اینکار گام مهمی در راه تقویت و پیشرفت جنبش بردارند. ما بنوبه خود مانند گذشته از هیچ کوششی در این زمینه دریغ نخواهیم کرد.

در بسیاری شهرها با پشتیبانی مردم کمیته های انقلابی ایجاد شده است. در شهر سایگون سازمانی بنام «اتحاد نیروهای صلح طلب» ایجاد گردیده است.

وضع ارتش متجاوز امریکا درخسان دچار اشکال و بن بست جدی است و پیش بینی میکنند که در آنجا این نیروی متجاوز تلفات و ضایعات سنگین را متحمل خواهد شد. ارتش رهایی بخش ملی ویتنام در تعرض وسیع خود از تجهیزات و اسلحه مدرنی که کشور های سوسیالیستی و بویژه اتحاد شوروی در اختیار آنها قرار داده اند استفاده میکنند. مک نامارا اخیراً در یک مصاحبه مطبوعاتی تأیید کرد که اتحاد شوروی نقش عمده را در تجهیز ارتش نجات بخش ایفاء کرده است. این نکته ایست که سخنگوی جبهه نجات بخش ملی ویت نام نیز در مسکو ضمن مصاحبه

میر از یاد، فراموش مکن!

گور خونین شهیدان بتو آواز دهد: ما بامید وفای تو گذشتیم ز جان ای چراغی که کنون روشن و نورافشانی با همه هستی خود توده ای صادق باش! تا ز تیره شب مهین ندمد مطلع فجر میر از یاد، فراموش مکن آنچه زجر تا بود گردش اوضاع وطن بر این دور: میر از یاد ایرانی را در محبس جور مادر و همسر و فرزند عزادار بسی است زان رفیقان که نشستند بزندان بلا

دنباله از صفحه ۱

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران

زدن نقاب قانونیت و بشر دوستی و دموکراسی بر چهره کریه خویش است.

همه ما که با سیاست ارتجاعی رژیم مبارزه میکنیم اعم از توده ای، مصدقی، روحانیون آزادیخواه و گروهها و سازمان های دیگر ملی و دموکراتیک وظیفه داریم که در این موقع این نیرنگ رژیم را افشاء کنیم. ما میتوانیم به انواع ابتکارات دست بزنیم: به کنفرانس حقوق بشر در تهران نامه ها و تاگرافها ارسال داریم، به میتینگ و تظاهرات بپردازیم، به شعب انجمن حقوق بشر در هر شهر و هر کشور مراجعه کنیم و آنها را درباره وضع ایران روشن سازیم به آن هیئت های نمایندگی که از کشور های محل اقامت ما در خارج از کشور به کنفرانس تهران میروند مراجعه کنیم و مقالات را درباره وضع ایران روشن کنیم، مقالات و جزوات افشائی منتشر کنیم، در سمینارها وضع ایران را در قیاس با اعلامیه حقوق بشر مطالعه میکنیم و نتایج مطالعات خود را در مطبوعات خارجی منتشر سازیم و غیره. تلاش ما میتواند نیرنگ شاه و رژیم او را عقیم گذارد.

ولی این تلاش زمانی میتواند واقعاً مؤثر شود که متفکرانه باشد. در این مبارزه اختلافات عقیده ای و سازمانی نباید مانع وحدت عمل گردد. اگر این مبارزه هر چه بگانه تر هر چه متمرکز، هر چه پر شورتر، هر چه وسیعتر انجام گیرد، میتوان کاری کرد که درست عکس آن نتیجه ای که شاه و رژیم میخواهند از کنفرانس آتی تهران بگیرند، حاصل آید.

کمیته مرکزی حزب توده ایران بشما مراجعه میکند و میگوید:

دوستان هموطنان در این میدان مبارزه ضرور و مبرم متحداً وارد شوید. تجربه گذشته نشان داد، هر جا که متحداً عمل کردیم، بهتر حرف حساب خود را نمایان ساختیم. بر تنگ نظرهای گروهبی و سازمانی و اختلافات جنبی و فرعی غلبه کنیم و نگذاریم که این تنگ نظریها، یکبار دیگر بسود رژیم تمام شود. مبارزه در راه دموکراسی وجه مشترک همه ماست و بجاست که در هر نقطه که باشیم باین مبارزه مشترک دست بزنیم. کمیته مرکزی حزب توده ایران

در بسته نظامی احاله میگردد. این دادگاهها تاکنون دهها و صد ها تن از میهن پرستان و آزادیخواهان را بمیدان اعدام فرستاده اند؛ در ایران در انتخابات بزرگترین قلب هوا و مغزها انجام میگردد و تازه مجلسینی که که از این انتخابات ناشی میشوند عملاً در مقابل اراده شاه مسلوب الحقد. در ایران احزاب و مطبوعاتی که در ایو زبسیون نسبت به سیاست رسمی باشند کوچکترین حق حیات ندارند و بجز سندیکاها و سازمان های ساخت دولت هیچ سازمان صنفی و اجتماعی دیگری نمیتواند فعالیت کند. در ایران تظاهرات مردم به شلیک بیرحمانه بسته میشود و در خون غرق میگردد و بسیاری از موازین قوانین موجود درباره کار و حق اعتصاب عملاً بااجراء میماند و در پس پرده دود دعاوی پسر و صدای اصلاحی و «انقلابی» منظره واقعی یعنی محرومیت اکثریت مطلق اهالی آشکارا دیده میشود. برای هر یک از موارد فوق میتوان نمونه های مشخص عده ای ذکر کرد. ولی برای مردم ایران که خود این بار سنگین را بر دوش میکشند ارائه نمونه لازم نیست.

مقصود رژیم از تشکیل کنفرانس حقوق بشر در این بیستین سال تصویت اعلامیه حقوق بشر بویژه پنهان کردن این منظره و مطبوعاتی تأیید نموده است.

کامیابهای شگرف ارتش نجاتبخش ملی ویتنام جنوبی یکبار دیگر نیروی لایزال خلقهارا درنبرد با امپریالیسم نمایان ساخته است. اکثریت مطلق بشریت از این کامیابها شادمان است. در اردو گاه امپریالیسم و ارتجاع حزن، یأس و سراسیمگی حکمرواست.

در کنگره جوانان بلغارستان

در دیماه سال جاری یازدهمین کنگره «اتحادیه کمونیستی جوانان بلغارستان» در صوفیه تشکیل شد تا مسائل خاص جوانان کشور را مورد مطالعه قرار دهد و بر نقش آنها در فعالیتهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و ورزشی کشور بیافزاید. در این کنگره دنباله در صفحه ۵